

واکاوی

همجنس گرایی و همجنس بازی



میثم پاپی مطلق

به نام خداوند صلح

واکاوی

همجنس گرایی و همجنس بازی

میثم پایی مطلق



نشر اینترنتی جامعه خردمندان پارسی

این کتاب رایگان است و برای شماست.
انتشار این کتاب به هر نوع در هر تارنما
و پیج شبکه ی اجتماعی که باعث دیده
شدن این کتاب می باشد مجاز می باشد.

سرشناسه

:پاپی مطلق,میثم,۱۳۶۹-

عنوان و نام پدیدآورنده : واکاوی همجنس گرایی و همجنس بازی/پاپی مطلق,میثم

مشخصات نشر :نشر الکترونیکی جامعه خردمندان پارسی:۱۳۹۳

شابک

:۱۰۰۰تومان

موضوع

: جامعه

موضوع

: نقد

Meisampapi.blog.ir

مقدمه

کلمه همجنسگرا برای اولین بار (تا آنجا که من از آن اطلاع دارم) در سال ۱۳۶۹ (یا ۱۳۶۷) بر سر زبانها افتاد. زمانی که برای اولین بار در تاریخ ایران، بعد از ماه‌ها تلاش، تعدادی همجنسگرای ایرانی پناهنده در سوئد دور هم جمع شده و گروه هومان را تشکیل دادند. در آن نشست بحثهایی درمورد بار منفی اصطلاح "همجنس باز" در اذهان مردم و نارسا بودن آن در انعکاس روابط عشقی-عاطفی و گرایش درونی یک فرد به همجنس خودش صورت می‌گیرد و در آخر جمع حاضر در آن جلسه (۱۳ مرد و یک زن)، نام "هومان" (گروه دفاع از حقوق همجنسگرایان ایران) "را برای خود انتخاب می‌کنند. بعد از آن فعالان هومان علاوه بر انتشار مجله هومان و گسترش بحثها در این مورد، به نویسندگان روزنامه‌ها و مجلات ایرانی که هر از گاهی خبر یا مطلبی مربوط به همجنسگرایی منتشر می‌کردند و از کلمه "همجنس باز" استفاده می‌نمودند نامه نوشته و با توضیحاتی کاربرد اصطلاح "همجنسگرا" را پیشنهاد می‌کردند. این کار تا دو سه سال اول فعالیت هومان همچنان ادامه داشت و به مرور کلمه

همجنسگرا بر سر زبانها افتاد. گروه هومان همچنین تعداد خیلی محدودی از نسخه های مجله خود را به داخل کشور می فرستاد و به این طریق تعداد اندکی از همجنسگرایان داخل هم با این بحث آشنا شدند. بعدها اینترنت از راه رسید و دسترسی افراد به سایت هومان و سایتهای دیگر همجنسگرایان خارج آسان تر شد. اکنون دیگر کمتر کسی از کلمه "همجنس باز" استفاده می کند و این یکی از خدمات خوب گروه هومان است هر چند که بعدها فعالان این گروه بعد از حدود ۱۵ سال تلاش، پراکنده شدند. من هرچند با استدلالات فعالان سابق گروه هومان موافقم اما قصد تکرار آنها را ندارم و به جنبه های دیگری خواهم پرداخت.

دلائل د. ساتیر :

ایشان می نویسند: "مهمترین دلیل این اختراع (همجنسگرایی) به قول مخترعان آن این است که همجنس بازی در کنار کلماتی چون قمار بازی، کفتر بازی، دختر بازی و غیره قرار میگیرد و بار منفی دارد. مشکل این است که شما نمیتوانید یک کلمه را بدون خویشاوندش در زبان عوض کنید. یعنی اگر پسوند <باز> را

میخواهید بردارید، آنگاه باید از همه کلمات مشابه نیز این پسوند را بردارید." (بحران جنسی ایرانیان بخش ۲)

باید گفت که در این گفته یا د. ساتیر سفسطه می بافد یا نا آگاهانه احساس عشقی و عاطفی دو زن / دو مرد به هم را در کنار دختر بازی و کفتر بازی قرار داده و آنها را هم ارزش می داند یا آنقدر پست مدرنیست می شود که من متوجه نمی شوم. اما گرایش جنسی دو زن یا دو مرد به هم یک نیاز درونی است، عاطفی است و با تو در توی پیچیده انسان سر و کار دارد، درست مانند گرایش جنسی دو غیر همجنس به هم. اگر کسی به همجنس خود گرایش درونی داشته باشد، این احساس و نیاز خود را بشناسد، بپذیرد و به آن عمل کند یعنی هویت جنسی خود را انتخاب کرده است؛ او می خواهد که جامعه احساس و عطف او را برسمیت بشناسد نه گناهکار و قانون او را بخاطر این احساسات مجرم و خطاکار تعریف نکند؛ او قادر است و دوست دارد که نسبت به شریک زندگی خود متعهد باشد و عمری را در کنار همسر که (که همجنس اوست) به خوشی و خرمی بگذراند. قرار دادن نیازها و درخواستهای چنین شخصی در کنار نیازها و

رفتار و حرکات یک دختر باز اشتهابه محض است و توهین به شعور او. دختر باز به کسی که فقط دوست دختری به سبک غرب برای خود بگیرد (که هیچ عیب و ایرادی هم ندارد) گفته نمی شود؛ دختر باز به مردی گفته می شود که نه با یک دختر بلکه با دختران متعدد (و اغلب همزمان) روابط عمدتاً یکجانبه برقرار می کند و با تمهیداتی همچون وعده ، وعید ، اغوا، تطمیع و تهدید آنها را در خمت ارضاء نیاز جنسی خود در می آورد. سرنوشت این دختران و آینده آنها هم تنها چیزی است که به مخیله اش راه نمی یابد و در هنگام " آرام گرفتن"، برای ازدواج سراغ یک دختره باکره می گردد. بگذریم که چنین شخصی برای خواهر خود و روابط او چه الم شنگه ای که در نمی آورد. فراموش نکنیم که دون ژوان ها در همه جا هستند؛ یک دختر باز ممکن است مرد متاهلی باشد که بنا به هر عللی از سکس با همسرش راضی نیست، یا هست ولی زیاده خواه باشد یا تنوع طلب و به همین دلیل هم هیچ فرصتی برای رابطه با دختران (یا زنان) را از دست نمی دهد. در دختر بازی رابطه ها پنهانی است، نه صرفاً به دلیل تابوهای اجتماعی، بلکه خود افراد هم خواستار پنهانی بودن آن هستند چرا که ممکن است مثلاً روابط

زن‌اشویی طرف را تهدید کند یا تعهداتی به بار آورد که طرف خواستار آنها نیست. اینجا هدف قضاوت اخلاقی در باره این پدیده نیست بلکه نشان دادن تفاوتها است و اینکه چرا کابرد پسوند <باز> در مورد افراد با کشش و گرایش به همجنس غلط و تنزل دادن محسوب می شود. "دختر بازی" و "کفتر بازی" بیشتر به تفنن و خوشگذرانی می ماند (قضاوت اخلاقی نمی کنم) ولی همجنسگرایی این نیست. شاید به همین دلیل هم بوده که در فرهنگ لغت های جدید بدرستی کلمه همجنسگرا بعنوان معادل کلمه انگیزی هموسکثوال بکار برده شده است. از جمله در لغت نامه نصرت الله پورافکاری (فرهنگ جامع روانشناسی - روانپزشکی و زمینه های وابسته - نشر فرهنگ معاصر ۱۳۷۳) یا در لغت نامه داریوش آشوری (لغت نامه انگلیسی - فارسی برای علوم انسانی - نشر مرکز - ۱۳۷۴). یک دختر باز هر چند که ممکن است حتی طرفدار روشنگری جنسی و بالا رفتن ضریب تحمل و کنار آمدن جامعه با روابط جنسی باز باشد اما خواهان تصویب قوانین و برسمیت شناختن رابطه دختر "باز" ی خود نیست چرا که به همراه قانون مسائلی همچون مالیات، بازنشستگی، حق ارت و..... مطرح

میشود در حالی که یک همجنسگرا برای بالا رفتن ضریب تحمل جامعه (هر چند که مثبت است) مبارزه نمی کند بلکه برای حق خود که او را از آن محروم کرده اند تلاش کرده و می خواهد به همان حقوقی در قانون دست یابد که زوجهای دگر جنسگرا. نکته دیگر اینکه یک همجنسگرا در پی به خدمت گرفتن شریک خود با اغوا، تطمیع، تهدید و امثالهم در جهت منافع و لذت و امیال جنسی یکطرفه خود نیست؛ او رابطه دو طرفه و آگاهانه و بر اساس انتخاب می خواهد.

د. ساتیر ادامه می پرسد: " مگر دختر بازی یا کفتر بازی منفی است؟ " (که در ادامه بگوئید مگر همجنس بازی منفی است؟). اگر دختر بازی را همانی بدانیم که در بالا تعریف کردم من آن را منفی می دانم. چرا که یکطرفه است، مگر اینکه ایشان تعریف جدید دیگری از این گونه روابط دارند و در مورد کفتر بازی از آنجا که احساسات و تمایل و خواسته خود کفتران بر ما معلوم نیست، از آن می گذرم. با اینهمه من با روابطی که بر اساس ارتباط آزادانه،

آگاهانه، دوجانبه و با احساس مسئولیت متقابل باشد نه تنها مخالفتی ندارم که حامی آن هم هستم.

اما د. ساتیر باید به این سؤال جواب دهد که چرا ما اصطلاح "پسر باز" یا "مرد باز" با این ذهنیت که طرف عمل کننده مؤنس است، نداریم؟ جواب ساده و آسان همانا استناد به فرهنگ زن ستیز ما و بی حقوقی زنان خواهد بود اما ریشه اصلی آن شکل و تجلی جنسیت زنان است که نسبت به سکس و جنسیت مردان از تنوع طلبی کمتری برخوردار است و بی جهت هم نیست که روابط همسری زنان لزبین از هر گونه رابطه ای پایدارترند. اما د. ساتیر در ادامه ظاهراً یک بحث پست مدرنیسمی را مطرح می کند و می نویسد:

" برای مقابله با آن اما راه حل نه در کلمه ای مثل همجنس گرایست، بلکه ابتدا باید همه این کلمات را زیبا کرد و بار منفی را از دوش آنها برداشت و نیز کلمات مترادف مناسبی پیدا کرد، مانند همجنس خواهی که من آن را در ترجمه آقای آشوری در کتاب لغت ایشان یافتم."

د. ساتیر می نویسد: "کسی بخواست خود همجنس باز یا دگر جنس باز نمی شود. برای مثال همجنس خواهی هم دارای بار احساسی قویتری است و هم اشتباه دیگر همجنس گرایی را دارا نیست. همجنس بازی یا خواهی یک گرایش نیست که آنرا همجنس گرایی ترجمه کنیم." بله، همجنس بازی و همجنس خواهی درونی و باطنی نیست و از پمیر پیچیده انسان نشأت نمیگیرد به همین دلیل یک <بازی> است ولی هکجنس گرایی درونی، باطنی، روانی، عاطفی و عمقی است و به همین دلیل هم <گرایش> است. البته من با کاربرد کلمه ظاهر روشنفکر پسند اما ناقص و پاسیو همجنسخواهی مشکلی ندارم و خود همجنسگرایان هم هر از گاهی آن را بکار می گیرند ولی از آنجا که اصطلاح > همجنس خواهی< ذات جنسی درون انسان را تداعی نمی کند شخصاً از کاربرد آن امتناع می ورزم چرا که <خواهی> از خواستن است و فرد میتواند خواسته خود را عوض کند در حالی که گرایش جنسی را هر چند بتوان مهار و یا سرکوب نمود ولی نمیتوان آن را تغییر داد. با اینهمه همجنسخواهی و همجنسگرایی با "همجنس بازی" فرق دارند و بر خلاف نظر ساتیر از آنجا که "همجنس بازی" دال بر رفتار

و عمل دارد نه میل باطن بنا براین انتخابی است و طرف بخواست خود <باز> یگر میشود مثلاً فردی ممکن است چون به جنس مخالف دسترسی ندارد یا برای کنجکاوی هم که شده با جنس موافق خود دست به عمل جنسی بزند بدون آنکه واقعاً و دروناً چنین میل و گرایشی داشته باشد یا فردی که دروناً به همجنس خود تمایل و گرایش دارد بر اثر فشار اجتماعی، حکومتی، خانوادگی و... علیرغم جهت گیری جنسی و میل درون خود ضمن تسلیم شدن به فشارها، با توسل به دروغ و ظاهر سازی و برای خلاصی از تنگناها، جامعه و فرهنگ آن را هم به بازی بگیرد و با فردی از جنس مخالف ازدواج کند. بر اساس گفته های فوق <بازی> یک رفتار انتخابی و در عین حال غیر جدی و تفننی است که زمانی ممکن است تمام شود. همچون فوتبال بازی، کفتر بازی، زن بازی، ورق بازی و... و با <گرایی> که دال بر غیر انتخابی بودن و درونی، روانی، عاطفی و احساسی بودن است فرق دارد.

از طرف دیگر معلوم نیست د. ساتیر بر چه اساسی همجنس گرایی را یک گرایش نمی داند؟ همجنس گرایی همان سکشوال اورینتیشن (یعنی گرایش جنسی) هست و خود آقای آشوری هم اورینتیشن را معادل جهت یابی و جهت گیری ترجمه کرده اند. از آن گذشته گرایش جنسی به این معنی است که فرد در درون خود این احساسات را دارد و سمت و سوی کشش و میل جنسی او رو به جنس موافق است و این با هویت جنسی (که ممکن است دروغین باشد) یا عملکرد و رفتار جنسی (که گاهی ممکن است بازی باشد) متفاوت است چه همانطور که گفته شد ممکن است کسی گرایش جنسی درونی به همجنس خود داشته باشد ولی بنا به هر عللی از عملی کردن آن و یا اعتراف به میل خود بپرهیزد و با انتخاب شریک جنسی از جنس مخالف هویت و رفتاری مغایر با گرایش درونی خود انتخاب کند. و این فرق بین گرایش جنسی (که انتخابی نیست) با رفتار و هویت جنسی (که انتخابی است و فرهنگ و شرایط اجتماعی در آن مؤثرند) را نشان می دهد. دگر جنس گرایی اجباری که در بسیاری جوامع از جمله در کشور ما اعمال میشود و در نتیجه فشارهای اجتماعی، حکومتی و خانوادگی همجنسگرایان را مجبور به

ازدواج با جنس مخالف می کند نمونه بارزی از این گفته فوق است.

پس نتیجه می گیریم که همجنس گرایی دقیقاً یک گرایش است حال چه طرف بخواهد و یا نخواهد چون ممکن است آن را در درون خود سرکوب کند اما همانطور که گفته شد توان تغییر آن را ندارد. پس لغت <بازی> بیشتر برازنده کسانی است که رفتار و هویت جنسی ای مغایر با میل و گرایش درون خود انتخاب می کنند تا همجنسگرایانی که گرایش خود را شناخته، قبول کرده، آن را بعنوان هویت جنسی خود پذیرفته و برای بدست آوردن حقوق خویش مبارزه می کنند. بی جهت هم نیست که بسیاری از همجنسگرایان به کسانی که بدون شناخت گرایش درونی خویش و پذیرش آن، صرفاً به سکس با همجنس مبادرت می ورزند را همجنس باز می خوانند.

همجنس گرایی

همجنس گرایی یکی از گرایش های جنسی است که مشخصه آن تمایل زیبایی شناختی، عشق رومانتیک، و تمایل جنسی منحصرأ نسبت به جنس همگون با خود فرد می باشد. به فردی که به جنس دیگر گرایش داشته باشد دگرجنس گرا و به

افرادی که هم به جنس دیگر و هم به همجنس خود تمایل دارند دوجنس‌گرا می‌گویند.

در اصطلاح اسلامی به ارتباط جنسی بین مردان «لواط» (برگرفته از نام لوط پیامبر قومی که به این کار مشهورند) و به ارتباط جنسی بین زنان «مساحقه» می‌گویند.

در گویش مردم عامی افراد همجنس‌گرا - زن یا مرد - با عنوان عمومی «همجنس‌باز» خوانده می‌شوند ولی واژه‌های دیگری نیز در گفتار عوام برای اشاره به همجنس‌گرایان وجود دارد که معمولاً تحقیرآمیز و محکوم‌کننده هستند؛ به عنوان مثال همجنس‌گرایان مرد در زبان فارسی با عناوین چون اواخواهر، اُبنه‌ای (شخص مفعول در عمل جنسی همجنس‌گرایان) و عناوین زننده‌تر خوانده می‌شوند.

برای اشاره به همجنس‌گرایان زن در زبان فارسی معمولاً واژه لزبی بکار می‌رود که از واژه انگلیسی Lesbian آمده است. البته در گفتار ایرانیان به همجنس‌گرایان زن، طَبَق‌زن گفته می‌شده است که به عمل طَبَق‌زنی اشاره داشته است. این لغت امروزه بندرت مورد استفاده قرار می‌گیرد.

پدیده همجنس‌گرایی همیشه با بشر بوده است و در ادبیات و هنر جهان از زمان بسیار کهن، شاهد اشاراتی به این پدیده هستیم. در ادبیات فارسی اشارات فراوانی به عشق و گرانش جنسی میان افراد همجنس وجود دارد و واژه‌هایی مانند «شاهد» در رابطه با این مفاهیم استفاده می‌شده است. برای اطلاعات بیشتر می‌توانید از سایت سازمان همجنس‌گرایان ایرانی (www.pglo.net) و یا (www.irqo.net) استفاده نمایید.

دانش زیست شناسی چه می گوید؟

تئوری هورمونی پیش از تولد

زیست شناسی عصبی مغز در ایجاد حالت مردانگی^[۱] کاملاً کشف شده است. استرادیول^[۲] و تستوسترون^[۳] که به وسیله آنزیم ۵- α ردوکتاز تبدیل به دی هیدروتستوسترون می شوند، عمل ایجاد حالت مردانگی را با اتصال به گیرنده های آندروژن (هورمون های جنسی مردانه که باعث ایجاد صفات ثانویه مانند ریش و کلفتی صدا می شوند) بر عهده دارند. تغییرات جسمی و روانی زمانی ظاهر می شوند که تعداد این گیرنده های آندروژن بسیار کم (مانند نشانگان بی حسی آندروژنی^[۴]) و یا بسیار زیاد باشد (مانند زنان مبتلا به پُریاختگی مادرزادی غده فوق کلیه^[۵]) احتمالاً همجنسگرایی چه در مردان و چه زنان نتیجه چنین دگرگونی هایی است^[۶]. در این مطالعات دیده شده است که در زنان همجنسگرا عموماً بیش از زنان دگرجنسگرا حالات مردانه ایجاد شده است. با این وجود تحقیقات درباره همجنسگرایی مردان نشان می دهد که ایجاد حالات مردانه چه بیش از حد و چه کمتر از حد معمول باعث همجنسگرایی در مردان می شود.

تفاوت های فیزیولوژیکی همجنسگرایان

تحقیقات بسیاری که در این زمینه انجام شده‌اند، مانند تحقیقات پیشگامانه^۶ عصب شناس سیمون لوی^[۷]، نشان می‌دهند که تفاوت‌های قابل توجهی در فیزیولوژی مردان همجنسگرا و مردان دگرجنسگرا وجود دارد. این تفاوت‌ها ابتدا خود را در مغز، گوش میانی، و حس بویایی آشکار می‌سازند. لوی در آزمایشی^[۸] دریافت که مغز ۱۰٪ از مردان همجنسگرای مورد آزمایش تفاوت فیزیولوژیکی آشکاری با همان بخش‌ها در مردان دگرجنسگرا دارد (منبع). گاهی نتایج این تحقیقات را به این معنا می‌گیرند که همجنسگرایی در افراد پدیده‌ای مادرزادی است. با این حال خود «لوی» می‌گوید:

«تحقیقات من ثابت کننده یک دلیل ژنتیکی برای همجنسگرایی نیستند. من هیچ قسمتی از مغز را به عنوان یک مرکز همجنسگرا کننده معرفی نکرده‌ام. ۳INAH- بیشتر مانند حلقه‌ای از زنجیره^۹ هسته‌های شکل دهنده رفتارهای جنسی مردان و زنان عمل می‌کند تا یک هسته^۹ همجنسگرا کننده... و از آنجا که من مغز افراد بالغ را مورد مطالعه قرار داده‌ام هیچ دلیلی وجود ندارد که نتیجه بگیریم این تفاوت‌ها مادرزادی بوده‌اند و بعد از تولد به وجود نیامده‌اند.^[۹]»

تحقیقات لوی مورد انتقادهایی قرار گرفت که یکی از دلایل انتخاب مردان همجنسگرایی بود که به علت بیماری ایدز جان خود را از دست داده بودند، در حالی که دگرجنسگراهای مورد مطالعه به این بیماری مبتلا نبودند. مقایسه‌ای که بین اندازه^۹ ۳INAH- در افراد مبتلا به ایدز دگرجنسگرا و همجنسگرا انجام شد (با وجود کوچک بودن جامعه آماری) نشان داد که اندازه^۹ این بخش از مغز در هر دو آنها

مشابه است. البته باید توجه داشت که هیچ مدرکی مبنی بر تأثیر ابتلا به ایدز بر اندازه^۳ INAH- یافته نشده است. تحقیقات در زنان هنوز به هیچ نتیجه^۴ مشابهی منتهی نشده است.

بعضی از تحقیقات اخیر حاکی از ارتباط تعداد برادرهای بزرگتر با همجنسگرایی فرد می باشد. بلانکارد و کلاس^[۱۰]* در سال ۱۹۹۷ اعلام کردند هر برادر بزرگتر احتمال همجنسگرایی فرد را تا ۳۳٪ بالا می برد^[۱۱]*. این یافته طبق گفته^۵ بلانکارد «یکی از معتبرترین یافته‌های اپیدمیولوژیکی است که تا به حال در رابطه با گرایشهای جنسی کشف شده است.» بر طبق این یافته، گفته می شود که هر جنین مذکر در مادر واکنشی ایمنی ایجاد می کند و این واکنش با جنین بعدی تشدید می شود. این جنینها آنتی ژن H-Y را که نفش آنها در تغییرات جنسی مهره‌ها تقریباً ثابت شده است تولید می سازند^[۱۲]* و این همان آنتی ژنی است که آنتی بادی مادری H-Y به آن واکنش داده و نیز یاد آوری (از نظر ایمنی شناختی) می نماید. سپس آنتی بادیهای H-Y تولید شده توسط مادر به جنین حمله می کنند و کارایی آنتی ژنهای نامبرده را در ایجاد حالات مردانه در مغز جنین پایین می آورند. از این موضوع با نام «اثر ترتیب تولد برادر»^[۱۳]* یاد می شود. در مطالعاتی که پسرهای رشد یافته با برادر بزرگتر را با آنها که جدا از برادران رشد کرده بودند مقایسه می کرد، کشف شد که تنها متولد شدن از مادری که برای چندمین بار پسری به دنیا می آورد احتمال همجنسگرا بودن را در افراد افزایش می دهد و بزرگ شدن در کنار برادران دخالت چندانی در این مسأله ندارد (منبع) جالب اینجاست که

این موضوع فقط در مردان راست دست صادق است (منبع). درباره زنان نتایج مشابه یا قابل توجهی یافت نشده است.

رفتار همجنس گرایانه در حیوانات

رفتارهای همجنسگرایانه در فرمانرو جانوران و بخصوص حیواناتی که در درجه بندی تکاملی به انسان نزدیکترند نیز دیده می شود (مانند میمونهای بزرگ). جانت مانن^[۱۴]،*، پروفیسور دانشگاه جورج تاون^[۱۵]* صریحاً این نظریه را مطرح کرده است که همجنسگرایی، لااقل در دلفینها مزیتی است که در اثر تکامل به وجود آمده و حملات و تجاوزهای داخل گونه ای را خصوصاً در نرها کاهش می دهد. برای اطلاعات بیشتر اینجا را کلیک کنید.

- بعضی پنگوئنهای نر تمایل به تشکیل جفت با نرهای دیگر و لانه سازی مشترک با آنها دارند. در این مواقع از یک سنگ به عنوان جایگزین تخم استفاده می شود. در سال ۲۰۰۴ پارک مرکزی حیوانات^[۱۶]* واقع در ایالات متحده آمریکا، سنگ یادشده را با یک تخم بارور جایگزین کرد که زوج نر آن را به عنوان فرزند خود بزرگ کردند (منبع). باغ وحشهای آلمانی و ژاپنی نیز گزارشاتی درباره همجنسگرایی بین پنگوئن هایشان منتشر کرده اند. این پدیده همچنین در زیستگاه آبی کلی تارنتون^[۱۷]* در اوکلند نیوزیلند مشاهده شده است.

- معاشقه و دخول کامل در روابط گاوهای نر، خصوصاً گاومیش کوهان دار امریکایی^[۱۸] معمول است. روابط اینچنینی در ماده‌های نوع دیگری از گاوها^[۱۹] رواج دارد.
- همجنسگرایی در گوسفندان (که در ۶ تا ۱۰٪ قوچها دیده می‌شود) همراه با تفاوت در حجم بخشهای معینی از مغز و فعالیتهای شیمیایی است. مطالعاتی که توسط مجلهٔ درون ریز شناسی انجام شد، نشان داد عوامل فیزیولوژیکی و زیست شناختی تأثیر گذارند. (منبع) نتایج این بررسیها با بررسیهایی که لوی روی نمونه‌های انسانی انجام داد مشابه است.
- گوسفندان نر کوهی امریکایی^[۲۰] نیز از این نظر به دو دسته تقسیم می‌شوند: آنها که در گیر روابط همجنسگرایانه می‌شوند و گروه دیگر که اینگونه نیستند. ر.ک. به اینجا و اینجا

روانشناسی همجنس گرایان

در ابتدای قرن بیستم، مباحثی نظری پیرامون تحلیل روانی در گرفت که ادعا می‌کرد در همهٔ افراد طی نمو روانی، دوجنس گرایی به وجود می‌آید. مطالعات عددی آلفرد کنزی^[۲۱] در سال ۱۹۴۰ و همچنین دکتر فریتز کلین^[۲۲] در سال ۱۹۸۰ تأیید کنندهٔ این نظریات بودند.

مطالعات تازه که با چاپ کتابهای آلفرد کنزی با نامهای «رفتارهای جنسی انسان مذکر»^[۲۳] و «رفتارهای جنسی انسان مؤنث»^[۲۴] به نتایج مهمی منتهی شد، بیانگر این بود که اکثر مردم در مقاطعی دارای تجربیات و یا عواطف همجنس

گرایانه بوده‌اند. پژوهش‌های علمی معاصر ادعا می‌کنند که اکثریت جامعه انسانی تمایلات دوجنس گرایانه دارند. گرایش جنسی برخلاف آنچه بیشتر مردم تصور می‌کنند یک متغیر گسسته نیست که به ۲ گروه «دگرجنس گرا» و «همجنس گرا» تفکیک شود، بلکه متغیری پیوسته‌است که خصوصیات مابین این گروه‌ها را نیز داراست. گزارشات «کنزی» نشان می‌دهند که حدود ۴ درصد از بالغین امریکایی برای تمام عمر منحصراً همجنس گرا هستند و حدود ۱۰ درصد نیز در مقطعی از زندگی رفتارهای همجنس گرایانه بروز داده‌اند. با این حال درصد افرادی که به طور برابر با هر دو جنس رابطه دارند کمتر از میزان مورد انتظار است. این می‌تواند به علت فشارهای اجتماع بر افراد باشد که آنها را مجبور می‌کند بر خلاف غرایز درونی خود و به طور ناخودآگاه برچسب‌های مطلق هویت جنسی را از قبیل «همجنس گرا» یا «دگرجنس گرا» بپذیرند.

کنزی، به همراه فعالان گروه‌های LGBT بر جنبه‌های تاریخی و سیالیت گرایش‌های جنسی تأکید می‌کرد. مطالعات کنزی همچنین نشان داد که گرایش جنسی در دوران حیات فرد در جهات مختلف رشد می‌کند و ندرتاً (و نه لزوماً) امکانات جذب شدن به جنسیت متفاوتی را فراهم می‌کند. بسیار نادر است که شخصی گرایش‌های جنسی خود را تغییر دهد و همچنین بعید است که این اتفاق نادر در صورت رخ دادن «داوطلبانه» باشد. اما گاهی تمایلات جنسی گسترش می‌یابند و یا دستخوش تغییر شده و جوهره متفاوتی پیدا می‌کنند. نظریه فراهنجار^[۲۵] ایده‌های «ساختار اجتماعی» را مرتبط با قضیه می‌داند و معتقد است باید به تمایلات جنسی تنها در چهارچوب تاریخی آن نگریست. در این نگاه، گرایش جنسی محصول تأثیرات

جامعه‌است و یک ویژگی تحت کنترل انسان و اراده او محسوب نمی‌شود. بیشتر روانشناسان با نتایج کلی آزمایشات کنزی موافقت و به رشته پیوسته تمایلات جنسی عقیده دارند، که در آن افراد کاملاً همجنس‌گرا و کاملاً دگرجنس‌گرا در دو انتهای بردار و اقلیت قرار دارند و اکثریت را دوجنس‌گرایان تشکیل می‌دهند. بعلاوه تقریباً همه روانشناسان هم عقیده‌اند که گرایش جنسی در سنین پایین شکل می‌گیرد و به طور ارادی قابل تغییر نیست.

البته بعضی دیگر از تحقیقات اسلوب کاری کنزی را زیر سؤال می‌برند و نتایج این آزمایش را در برآورد تعداد همجنس‌گرایان و دگرجنس‌گرایان اغراق‌آمیز می‌دانند. آنها دلیل خود را انتخاب افراد نامناسب برای تحقیق (که شامل همجنس‌گرایان و زندانیهایی که بعضاً متهم به تجاوزهای جنسی بوده‌اند می‌شود) بیان می‌کنند.^[۲۶] *^[۲۷] به هر حال نظریات کنزی در رابطه با «رشته پیوسته تمایلات جنسی» هنوز مورد قبول است و با یافته‌های تحقیقات زیست‌شناسی انجام شده بر تفاوت‌های ساختاری مغز افراد و حیوانات دارای گرایش جنسی مختلف سازگاری دارد.

روابط پدر- پسر و شکل‌گیری رفتارهای جنسی

بخش بزرگی از تحقیقات معمولاً به بررسی روابط فرزند- والد و تأثیر آن بر مردان همجنس‌گرا و دگرجنس‌گرا می‌پردازد و احتمال رابطه‌ای بین «فقدان پیوند عاطفی بین والد همجنس» و «شکل‌گیری همجنس‌گرایی در پسر» را پیشنهاد می‌دهند. مطالعات زیادی ادعا می‌کنند که مردان همجنس‌گرا در دوران کودکی خود

کمتر از همسالان دگرجنس گرایشان مورد علاقه یا توجه پدرانشان بوده اند^[۲۸]
«بیبِر»^[۲۹] در سال ۱۹۷۶ اظهار داشت:

«از سال ۱۹۶۲ که کتابم منتشر شد تا به حال بر روی ۱۰۰۰ همجنس
گرا و ۵۰ جفت از والدینشان مطالعه کرده‌ام والگوی مشابهی در ۹۰٪
آنان یافته‌ام. در تمام مدت آزمایش، حتی یک مرد همجنسگرایی که
پدرش اخلاق سازنده و رفتار مهرورزانه داشته باشد ندیده‌ام. پسری
که پدرش به او احترام می‌گذارد و عشق می‌ورزد هرگز همجنس گرا
نمی‌شود. من به این نتیجه رسیده‌ام که رفتار والدین بر انتخاب
تمایل جنسی کودکان بسیار تأثیر می‌گذارد.»

«بیبِر» بعدها در سال ۱۹۷۶ گفته‌های خود را این گونه ادامه داد:

«ما همواره گفته‌ایم که یک پسر که پدری با اخلاق سازنده و مهرورزانه
دارد هرگز همجنس گرا نمی‌شود. باید توجه داشت که عکس این گزاره
صحیح نیست و هر پسری که پدرش اخلاق مخرب دارد لزوماً همجنس
گرا از آب در نمی‌آید.»

این گزارشات، مخصوصاً به علت جابجا کردن «علت» با «اثر» زیر سؤال رفته‌اند. به
عبارت دیگر علاقه مردان همجنس گرا به داشتن رابطه مستحکم تر با مادر، علت
همجنس گرایی نیست، بلکه نتیجه آن است. انجمن روانشناسی آمریکا نیز این
نتایج را رد کرده است و اظهار داشته که در جوامع مختلف همجنس گرایان درصد
مشابهی از جامعه را تشکیل می‌دهند. در حالی که اگر روابط خانوادگی دارای چنان

تأثیری بود، در جوامعی با فرهنگ خانواده متفاوت این میزان می‌بایست متفاوت باشد. این تئوری هم چنین عاجز از توضیح وجود همجنس گرایی در یونان باستان، ژاپن قبل از مدرنیته، و فرهنگهای دیگر است و دلیلی برای همجنس گرایی در حیوانات ارائه نمی‌کند و مثلاً قادر به توضیح دادن این سؤال نیست که چرا در گونه قوی سیاه استرالیایی تنها والدین جوجه‌ها زوجهای نر محسوب می‌شوند؟

یافته‌های مطالعات بر حیوانات همجنس گرا به موازات یافته‌های موارد انسانی پیش می‌روند. مطالعاتی که بر روی مغز قوچهای همجنس گرا انجام شده نشان می‌دهد آن بخش از مغز که در شکل‌گیری رفتارهای همجنس گرایانه نقش دارد، نسبت به دگرجنس گرایان همان تفاوت‌هایی را نشان می‌دهد که در موارد انسانی دیده می‌شود. (منبع)

اصلاح رفتار؟

بعضی درمانگرها، گروه‌ها، یا مؤسسات ادعا می‌کنند قادر به کمک به همجنس گرایان برای غلبه بر رفتارهای همجنس گرایانه خود هستند. اکثر آنها پیروان ادیان ابراهیمی هستند که در مسلک آنان همجنس گرایی غیرطبیعی و گناه‌است و یک گرایش جنسی نامطلوب به حساب می‌آید. این نوع روان‌درمانی در جهت حذف علایق همجنس گرایانه و توسط افرادی که همجنس گرایی را یک اختلال یا گناه تلقی می‌کنند استفاده می‌شود. این افراد معتقدند که همجنس گرایی اصولاً نوعی گناه‌است و از طریق توبه و ایمان می‌توان آن را از بین برد.

تاکنون هیچ سند علمی و معتبری بدست نیامده که حاکی از «درمان» موفق یک همجنس گرا و تبدیل او به یک دگرجنس گرا باشد و حتی برخی افراد در اثر چنین «درمان»هایی دچار صدمات خطرناک و جدی شده‌اند. (منبع) با این حال طرفداران درمان همجنس گرایی به افرادی اشاره می‌کنند که به زعم آنها «موفق» شده‌اند. (ر.ک به انجمن ملی مطالعه و درمان همجنس گرایی). به هر جهت تنه اصلی جامعه پزشکی و روانشناسی این ادعاها را مردود می‌داند و تلاش برای تغییر گرایش جنسی را بی اثر و بالقوه خطرناک تلقی می‌کند.

طبیعت در برابر تربیت

این که بین عوامل روان شناختی و عوامل زیست شناختی کدام بر همجنس گرایی مؤثرتر است مسأله ایست که همواره عامل بحثهای بسیار شده‌است. از این عوامل می‌توان به عوامل ژنی و یا هورمونهای مؤثر بر جنین نام برد. از نظر تاریخی فروید و روانشناسان دیگری در شاخه روانکاوی معتقد بودند که تجربیات دوران کودکی در شکل گیری گرایشهای جنسی مؤثرند. به عنوان مثال فروید معتقد بود که نوجوانان همگی همجنس گرا هستند و پس از گذراندن مراحل دارای حالات دگرجنس گرایی می‌شوند و آنها که همجنس گرا می‌مانند به علت مواجهه با یک مانع یا حادثه بازدارنده، تکامل جنسی خود را به اتمام نرسانده‌اند. او همچنین معتقد بود که بعضی افراد که این دوره تکامل جنسی را بدون هیچ مشکلی طی کرده‌اند نیز همچنان در درون خود به صورت پنهان و به درجات متفاوت دارای تمایلات همجنس خواهانه هستند. کشفیات مدرن علمی و پزشکی تأکید بر زیست

شناختی بودن عوامل همجنس گرایی و رفتارهای همجنس گراییانه در کودکی دارند و این عوامل شامل عوامل ژنتیکی و یا کسب شده در رحم مادر می باشند. ناگفته نماند که همین پیش زمینه های زیست شناختی همجنس گراییانه است که در کودکی شرایط ایجاد عوامل روانشناختی را مهیا می کند.

همجنس گرایی در کشورهای مختلف

جمهوری اسلامی ایران



پلاکاردی بر درب یکی از سفارت های جمهوری اسلامی ایران که اعدام دو جوان همجنسگرا در ایران را محکوم می کند

اما در خصوص لواط، به معنای نفس عمل جنسی بین دو مرد، در حضور چهار شاهد عادل و یا چهار مرتبه اقرار از سوی کسانی که لواط کرده اند به این عمل در دادگاه،

بنا به احکام اسلامی که مبنای قانون مجازات در جمهوری اسلامی را تشکیل می‌دهند حکم اعدام برای هر دو طرف اجرا می‌گردد.

همجنس گرایی زنان زیر عنوان «مساحقه» عمل مجرمانه اعلام شده است. ماده ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی مساحقه را این طور تعریف کرده است: «مساحقه، هم جنس بازی زنان است با اندام تناسلی». در موضوع مساحقه جرم به فعل دو زن بستگی دارد و در جریان تحقق جرم اساساً جنس مذکر غایب است. به موجب ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی: «هرگاه دو زن که با هم خویشاوندی نسبی نداشته باشند بدون ضرورت، برهنه زیر یک پوشش قرار گیرند به کمتر از صد تازیانه تعزیر می‌شوند. در صورت تکرار این عمل و تکرار تعزیر در مرتبه سوم به هر یک صد تازیانه زده می‌شود». در صورت تکرار جرم، مرتکب را اعدام می‌کنند (ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی). یکی از راههای اثبات جرم هم جنس گرایی زنان شهادت شهود است. قانونگذار حتی درباره این جرم فقط به شهادت مردان اهمیت می‌دهد و برای شهادت زنان ارزش و اعتباری قائل نیست. بنابراین شهادت زنان در دادگاه در زمینه هم جنس گرایی در حکم هیچ است. معلوم نیست چرا قانونگذار شهادت زنان را حتی در جرمی که کاملاً زنانه است معتبر نمی‌شناسد.*

اروپا

اکثر کشورهای اروپا در عین به رسمیت شناختن همجنس گرایان قوانین خاصی نیز برای آنها تدوین کرده و یا در حال انجام آن هستند.^[۳۰] برای مثال قانون ازدواج همجنسگرایان در بلژیک در سال ۲۰۰۳ تصویب شد.^[۳۱]

ایالات متحده آمریکا

در اکثر ایالت‌های آمریکا همجنس‌گرایان دارای مشروعیت بوده حتی دارای قوانین ازدواج هستند.^[۳۲] رئیس‌جمهور کنونی آمریکا، جرج دبلیو بوش، تلاش‌هایی برای محدود کردن ازدواج همجنس‌گرایان به عمل آورده‌است.

خاورمیانه

در اکثر کشورهای خاور میانه به دلیل قوانین اسلامی برخوردی منفی به هم‌جنس‌گرایان موجود است.

همجنس‌گرایان و مذهب

تمام مذاهب سامی (اسلام، مسیحیت و یهودیت) با همجنس‌گرایی به طور علنی مخالفند اما مسیحیان در این زمینه نظرات ضد و نقیضی دارند چنان که برخی کلیساها عقد آنان را می‌بندد و برخی آنان را مطرود می‌دانند.^[۳۳]

کاربرد کلمات

کاربرد کلمات همجنس‌گرا و همجنس‌گرایی یک بار و مفهوم دیگری هم دارد و آن اینکه حاملان اینگونه گرایش‌ها جنسی که در نتیجه

اینترنت و دسترسی به اطلاعات، دیگر نمی خواهند به سرنوشتی که جامعه و مذهب در طی قرون برایشان رقم زده تن در دهند و می‌خواهند زندگی و سرنوشت خود را آگاهانه و امروزی همچون هم‌تایان خود در جوامع آزاد و دمکرات رقم زنند. از آنجا که تلاش‌ها و مبارزات همجنس‌گرایان کشور از خصلت آگاه‌گرانه و روش‌نگری برخوردار است، در خدمت گسست جامعه از سنت‌های کهنه و حرکت آن بسمت مدرن شدن می‌باشد و بر همین اساس باید از طرف همه کسانی که در فکر فردای بهتری برای ایران هستند جدی گرفته شده و مورد حمایت قرار گیرند و حداقل‌ترین و اولین قدم، ارائه تعریف درست همراه با اصطلاحات صحیح از گرایش‌های جنسی همجنس‌گرایان و توضیح آن برای جامعه است."

دیدگاه‌های مختلفی درباره‌ی همجنس‌بازی در بین اندیشمندان ایرانی وجود دارد که به علت حساس بودن موضوع معمولاً سخنی از آن در رسانه‌های گروهی نمی‌رود. موضع علمای رسمی روشن است. آنها طبق آیات و تعلیمات اسلامی این کار را حرام می‌دانند. کراهت

همجنس بازی نزد ایشان تا آنجاست که معتقدند در روایات آمده باید دیوار بر سر فردی که مرتکب لواط شده، خراب کرد. اما روشنفکران مذهبی موضع نامعلوم و مبهمی پیش گرفته‌اند. اینان با توجه به ریشه‌های مذهبی‌شان همان اعتقاد علمای رسمی را دارند منتها با توجه به دید امروزی و با احتساب دیدگاه‌های جدید در مورد همجنس بازی نتوانسته‌اند دیدگاهی یکپارچه و روشن ارائه کنند. اندیشمندان غیرمذهبی نیز خود به چند دسته تقسیم می‌شوند. عده‌ای که همجنس بازی را به خاطر غیراخلاقی بودن آن و تبعات اجتماعی و بهداشتی‌اش مردود و مطرود می‌دانند و عده‌ای که آن را دربست پذیرفته و قبول دارند. در اینجا قصدم تجزیه و تحلیل نظرات دیگران نیست، تنها می‌خواستم آنچه را خود از این مطلب برداشت کرده‌ام و پرسش‌هایی که برایم مانده را مطرح کنم. خارج از هرگونه فلسفه‌بافی و توجیه کردن مطلب، می‌توان همجنس بازی را با دیدی کارکردی نگاه کرد. این واقعیتی است که ما در جامعه‌ای مریض زندگی می‌کنیم. شاید اگر جامعه، جامعه‌ای سالم بود مقوله‌ی همجنس بازی اصلاً مطرح نمی‌شد. اما می‌دانیم که در این

جامعه عوامل زیادی در شکل‌گیری شخصیت دخالت دارند - چه مثبت و چه منفی - حوادث، رویدادها و پیشامدهای زیادی دست به دست هم داده‌اند تا بعضی از افراد علاقه‌ای به سکس با جنس مقابل خود نداشته باشند. این افراد شدیداً از جنس مخالف می‌ترسند و در مردان کسانی را مشاهده کرده‌اند که اندام تناسلی زنان برایشان چیزی واقعاً دهشتناک است. باز تکرار می‌کنم کاری به عوامل ایجاد کننده‌ی این حالات ندارم هر چند آن را نتیجه‌ی بیماری جامعه می‌دانم. برای این افراد واقعاً راه چاره چیست؟! امیدوارم که جواب رجوع به پزشک نباشد چون رد آن بسیار آسان است. این افراد حق زندگی دارند و قسمتی از زندگی لذت بردن از حس جنسی است. اگر جامعه این راه را برای استفاده از این حس بر همجنس بازان ببندد در واقع مرتکب ظلمی در حق آنها شده است، مگر زمانی که راه بهتری برای ارضای آن پیدا کند. از طرفی وقتی در جامعه امری به صورت قرارداد بین دو طرف باشد و در آن هیچ فریب و اجباری وجود نداشته باشد، به فرض ضرر داشتن آن، آن ضرر به خود آن افراد بر می‌گردد و به جامعه آسیبی نمی‌رساند. بهر حال رفتار مسئولان رسمی جامعه و خود مردم در قبال این افراد

بسیار ناخوشایند و توهین آمیز است. اکثر مردم با خودخواهی و بی اطلاعی از عوامل ایجاد چنین تیپی دست به طرد و ذم این افراد می زنند و مسئولان امور نیز آن را جزء جرایم کیفری به حساب می آورند.

هم جنس بازی علت نیست و بلکه معلول عوامل زیادی است و حالا که ما در برطرف کردن آن عوامل ناکام هستیم حداقل شیوهی برخورد با این معلول را بدانیم طوری که نه افراد سرکوب شوند و نه جامعه صدمه ببیند.

توضیح: منظور از همجنس باز کسی است که صرفاً با جنس خود آمیزش جنسی دارد نه اینکه فرد منحرفی که به خاطر لذات منحرف شده ی خود با هر دو جنس مقاربت می کند

حقوق زن همجنس گرا

این یادداشت از سری یادداشت های مهرانگیز کار درباره وضعیت حقوقی زنان در ایران به مناسبت روز جهانی زن است که تا ۸ مارس در این سایت منتشر خواهند شد.

در قانون مجازات اسلامی ایران همجنس گرایی جرم است و همجنس گرایی زنان زیر عنوان "مساحقه" عمل مجرمانه اعلام شده که مجازات آن بسیار شدید است. ماده ی ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی مساحقه را این طور تعریف کرده است: "مساحقه، هم جنس بازی زنان است با اندام تناسلی".

در موضوع مساحقه جرم به فعل دو زن بستگی دارد و در جریان تحقق جرم اساسا جنس مذکر غایب است. به موجب ماده ی ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی: "هرگاه دو زن که با هم خویشاوندی نسبی نداشته باشند بدون ضرورت، برهنه زیر یک پوشش قرار گیرند به کمتر از صد تازیانه تعزیر می شوند. در صورت تکرار این عمل و تکرار تعزیر در مرتبه ی سوم به هر یک صد تازیانه زده می شود".

در صورت تکرار جرم، مرتکب را اعدام می کنند (ماده ی ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی).

یکی از راه های اثبات جرم هم جنس گرایی زنان شهادت شهود است. قانونگذار حتی درباره ی این جرم فقط به شهادت مردان اهمیت می دهد و برای شهادت زنان ارزش و اعتباری قائل نیست. بنابراین شهادت زنان در دادگاه در زمینه ی هم جنس گرایی در حکم هیچ است. معلوم نیست چرا قانونگذار شهادت زنان را حتی در جرمی که کاملاً زنانه است معتبر نمی شناسد. در موارد دیگری چنین است و قانون مجازات اسلامی یا اساساً شهادت زنان را معتبر نمی داند یا شهادت دو زن را برابر شهادت یک مرد ارزیابی می کند.

دفتر شعر هستند یا پژوهش ادبی. یک رمان (زیر پوست ابدیت) و کتاب طنزی هم در میان آنها هست. نیمی از این کتابها در پیش و پس از انقلاب در ایران منتشر شده اند و نیمی دیگر در برونمرز. در ایران تیراژ کتابها بیشتر و فروششان سریعتر از برونمرز بوده است. چند کتابی از من که با همت و پیگیری ناشران در ایران

منتشر شده اند همیشه دچار مشکلاتی بوده اند. یا بلافاصله آنها را گردآوری و خمیر کرده اند و یا اجازه ی تجدید چاپ به آنها نداده اند.

ماها: این اولین بار است که یک چهره معروف ادبی ایرانی با یک مجله که از طرف همجنسگرایان کشور منتشر می شود، مصاحبه می کند ، و ما مطمئن هستیم که این تابو شکنی شما تاثیر مثبت زیادی خواهد داشت. احساس شما چیست؟

میرزا آقاعسگری: نخست با صراحت بگویم که من همجنسگرایی را مغایر با قاموس طبیعت می دانم و آن را با روند تولید مثل در تضاد می دانم. براساس یافته ها و نظریات انکارناپذیر علمی، جهان موجود و هستی موجودات، حاصل کش و واکش بین دو عنصر نرینه و مادینه، ین و یانگ، مثبت و منفی، جاذبه و دافعه است. حتا کیهان در ابعاد کهکشانی هم برهمین محور نرینگی و مادینگی شکل یافته و تداوم دارد. این، قانون طبیعت است. ما انسانها بخش بسیار کوچکی از این هستی هستیم. همه ی ما (از جمله همجنسگرایان)

حاصل درآمیزی زنان با مردان هستیم. این نکته ها را بی گمان شما
بهتر از من می دانید اما بایسته دانستم نگاهم را در این پیوند،
روشن

با اینهمه در دو سه سخنرانی گفته ام و در اینجا هم تکرار می کنم
که یک جامعه وقتی به درجه ی مطلوبی از آزادی و دموکراسی می
رسد که همجنس گرایان آن هم بتوانند بی دغدغه و پنهانکاری
حرفهایشان را مطرح کنند و رفتار جنسی مورد علاقه شان را داشته
باشند. تردید نباید داشت که اگر در یک جامعه، همجنسگرایان
سرکوب شوند، احزاب دگراندیش هم محدود یا سرکوب می شوند،
نویسندگان و پژوهشگران هم محدود یا سرکوب می شوند، گروه
های اجتماعی ناهمروند با نورمهای اجتماعی هم محدود یا سرکوب
می شوند. و در کشوری که سرکوب بخشی از جامعه، قانونی و توجیه
شود بتدریج بخشهای دگراندیش و رقیب و نواندیش اش هم به
حاشیه رانده شده و بعدا سرکوب می شوند. آزادی، بخش ناپذیر
است. یا هست و برای همه هست و یا نیست و فقط ادعای وجودش
مطرح شده است. امور جنسی از امور خصوصی انسانها است. حریم
خلوت هر انسانی باید به مثابه معابد مقدس نگریسته شود. یعنی

ورود به آن برای غیر ممنوع گردد. این «غیر» می تواند نام قانون، دین یا حکومت یا عرف بر خود بگذارد. فرقی نمی کند. «غیر» است. باید از ورود به معابد مقدس افراد منع شود.

البته جامعه شناسان می توانند در باره ی همجنسگرایی پژوهش کنند، بنویسند، با آن موافقت یا مخالفت کنند، آن را یکی از نورمهای رفتار اجتماعی ارزیابی کنند یا نوعی بیماری. اما گرایش یا دوری مردم از این یا آن نورم اجتماعی باید امری آگاهانه و داوطلبانه باشد. اینها را گفتم تا بگویم که پذیرش این گفتگو از سوی من، به معنای پذیرش و تأکید بر حقوق بخشی از هموطنان زن یا مرد من است که دوست دارند در حریم شخصی خود بگونه ای رفتار کنند که می خواهند، و نه آن گونه که دیگران تعیین می کنند. من امیدوارم پژوهندگان، شاعران و نویسندگانی که آگاهی افزونتری در این موارد دارند، به این پدیده ی اجتماعی هم بپردازند.

ماها: از چه زمانی با پدیده همجنسگرایی آشنا شدید و چطور شد (یعنی چه عواملی باعث شدند) که شما اینقدر راحت با

همجنسگرایی کنار بیایید و به اهمیت رعایت حقوق همجنسگرایان

[illegible]

میرزا آقا عسگری: گفته می شود که همجنسگرایی با یورش و سلطه ی اسکندر مقدونی به ایران راه یافت و مردم ایران تا آن زمان با اینگونه رفتار جنسی بیگانه بوده اند. بعد از حمله ی اسلام به ایران، ممنوعیت های جنسی به طرز بی سابقه ای افزایش یافت. لذا همجنسگرایی بین مردان به عنوان نوعی جانشین برای برآوردن نیازهای جنسی رواجی نسبتاً گسترده یافت. تا جائی که «بچه بازی»، «شاهدبازی»، و «غلامبازی» به اموری عادی در دربارها (سلطان محمود و ایاز) و حتا در محافل ادبی مردانه تبدیل شد. ادبیات کلاسیک ایران نشانه های پرشماری از آن روند دارد. جامعه ایران همیشه این پدیده را داشته است. منتها پنهانی. حکایات همجنس بازی در حوزه های علمیه را لابد شما هم بسیار شنیده اید. در سایر گوشه کنارهای جامعه هم چنین بوده است. کمتر ایرانی است که از این پدیده بی خبر باشد. با این همه، هیچگاه مصلحین و محققین و روشنفکران ایران با این پدیده

رودررو نشدند و این پرسمان را به چالش پژوهش و بررسی نگرفتند. فکر می کنند «قباحت» دارد اگر به این گره اجتماعی بپردازند تا ریشه ها و ثمراتش را عیان کنند و برای ساماندهی اجتماعی راهبردهائی برای آن بیابند. مادامی که با پدیده ها و رفتارهای اجتماعی (با ابعاد کم یا زیاد آن کاری ندارم) به صورتی علنی و به دور از پیشداوری روبرو نشویم، نمی توانیم آنها را بشناسیم و برایشان عرف اجتماعی شایسته ای ایجاد کنیم. من متخصص این امور نیستم. با این همه ، دوست ندارم این پدیده را نادیده بگیرم و بگویم «انشالله گربه است»! در ایران، همجنسگرایی پدیده ای نسبتا گسترده و با اهمیت است. به نظرم هیچ ایرانی نباید از کنار آن بی تفاوت بگذرد.

وب حال سیستم پدرشاهی نمی تواند میان این دو سطح علائق جنسی هتروسکوآلیسم خود فاصله چندانى اندازد . اولی تنها رابطه مشروع جنسی را رابطه هتروسکژوآلیسم معرفی می نماید اما مرد را

هم آغوش می سازد و گوئی نمی تواند در این رابطه وجهه عالی مرد را نسبت به زن نمایان کند . کلا مشروعیت سیستم پدرشاهی بر مبانی دوتایی زن / مرد و برتری مرد بر زن بنا شده است بنابراین صرف توصیف رابطه جنسی هتروسکژوآلیسم برای این سیستم ستمگر کافی نیست . سیستم پدرشاهی برای تاسیس ساختار کثیف خود می بایست مرد را به نحوی بر زن برتری دهد . در این جا از سطحی عالی و فراتر از شهوانیت از رابطه جنسی ایجاد می نماید که در آن مرد وارد وادی عشقی متافیزیکی می شود. (عشق الهی ، عرفان ، عشق به ایمان و حقیقت و...) انواع و اقسام روایات پدرشاهی برای تشریح این نوع هتروسکژوآلیسم متافیزیکی و ارتقاء جایگاه رفیع مرد در این عشق ، توصیف می شود. مثلا ، عشق زمینی تنها وجهه ای است از عشق الهی ، یا آنکه مردان نمی بایست در دام هرزگی زنان و فاحشگان - (زنی که خارج از چهارچوب قبیله ای خدمات جنسی ارائه می دهد یعنی صاحب و تاجر اندام جنسی خود است .) زنان تا پیش از آنکه توسط سیستم در معرض خرید و فروش قرار گیرد می باست پوشیده بمانند و از تعرض نگاه بیگانه در امان باشند . می بایست بکارت و تازگی خود را حفظ

کنند و هزار تابو و هنجار مردسالارانه دیگر را تحمل کنند. تمامی این این سطح متافیزیک و انتزاعی از رابطه جنسی هتروسکژوآلیسم در سیستم پدرشاهی بنا نهاده می شود تا خدا، فرشتگان، مردان بزرگ، دانشمندان، شعرا، دلاوران، جنگویان، شوالیه ها، قهرمانان رومانتیک، و... سر بر آورند و تکثیر شوند.

با این طرح، هتروسکژوآلیسم، به عنوان تنها رابطه مشروع جنسی، طبیعی شده و بدیهی انگاشته می شود. اما سیستم پدرشاهی، برتری مرد بر زن، عمیق بودن بر سطحی بودن، آسمانی بودن به جای مادی بودن را برتری میدهد تا ساختار متافیزیکی و ستمگرانه مردانه دوشادوش نظام برده داری و نژادپرستی مردان رشد نماید. لازم به ذکر است که در این سیستم تنها، زنان مورد تعدی و ستم قرار نگرفته اند بلکه بردگان و خواجگان بی شماری را از نیروی جنسی شان به سبب محافظت از کالاهای جنسی مرد هتروسکژوآلیسم - پدرقبیله محروم کرده است. بنابراین نظام هتروسکژوآلیسم همواره مجبور بوده تا میان توضیحات انتزاعی متافیزیکی و لذت جویی مادی برای توجیه

قدرت جنسی مردانه و تکامل متافیزیکی آن دست و پا بزند . در سیستم پدرشاهی رابطه جنسی عمیقا فعل / انفعالی ، و خشن و سبعانه است رابطه جنسی نوعی اطاعت زن از مرد شمرده می شود . زن تنها در بستر و تسلیم کردن خود به مرد با او برابر می شود. و ارتباط زن با جهان تنها از طریق مرد و با پذیرش دیدگاههای وی میسر است .

یک زن هتروسکژوالیسم و در قبیله تنها با زنان دیگر ، فرزندان خود و یا هووها و دیگر زنان حرمسرای مرد معاشرت دارد . بنابراین این افسانه قدیمی ، طبیعی جلوه می کند که زنان به یکدیگر حسادت می کنند و اصولا هیچ علاقه ای جنسی میان آنان وجود ندارد . نمی تواند وجود داشته باشد .

اما رابطه جنسی هموسکژوالیسم میان لسبین ها ، ماتریالیستی و در سطح بدن است و هیچ ادعایی برای متافیزیکی کردن خود ندارد . هیچ علاقه ای به فعل و انفعال در دو سوی کنش جنسی میان دو طرف وجود ندارد . تعداد کنشگران جنسی همزمان می تواند بیتشر از دو نفر باشد و حتی این کنش تنها در سطح مقاربت جنسی

نیست . در همو سکژوآلیسم ، هیچ احتیاجی نیست تا عشق یک طرفه و مالکیت خواهانه یک طرف سبب ایجاد رابطه جنسی شود بلکه رابطه جنسی هموسکژوآلیسم بیشتر مبتنی بر توافق است تا تصاحب . در رابطه جنسی لسبین ها ، کسی ادای کنشگر مرد را در نمی آورد بلکه ارائه لذت جنسی با عمل لسبیا (لیسیدن و لمس کردن) صورت می گیرد احساس لذت و هم آغوشی به معنای اطا عت یکی در برابر دیگری نیست بنابراین هیچ نیازی به توضیحات و ادبیات تغزلی و رومانتیک نیست . ادبیات لسبین ها ، ماتریالیستی و سیال و روان است .

انگیزه های هموسکژوآلیستی همواره نوعی انحراف جنسی و یا به سبب در دسترس نبودن رابطه هتروسکژوآلیسم تلقی می شد . در طول تاریخ رابطه جنسی هموسکژوآلیسم ، دیوانگی ، جنون و شهوت بیش از حد یا بیماری روانی به حساب می آمد و این رابطه با بدترین شکنجه ها و عقوبت مرگ مواجه می شد . سیستم پدرشاهی در خیالات خود آرمانشهر هموسکژوآلیسم را ویران می سازد و آنها را تباهی انسانیت و سرپیچی از خداوند متافیزیکی

خود بر می شمرد. روایت زن لوط نمونه آشکار آن است. در جامعه بربریسم ایرانی، نیز آرمانشهر هموسکژوالیسم را شهر قزوین می شمردند و با خیالبافی و لودگی شخصیت هموسکژوالیسم را به این شهر نسبت می دهند و آن را ابلهی شهوت پرست تصور می کنند که به اندام جنسی زنانه در مردان حریص است. نظام کثیف پدرشاهی در میان بربرهای ایرانی، با معنا کردن آن به عنوان انحراف جنسی و صرف لذت جویی از مقاربت جنسی از هموسکژوالیسم انتقام می گیرد. در صورتیکه این هتروسکژوالیسم واقع شده در سیستم پدرشاهی است که رابطه جنسی را به رابطه قبیله ای و خرید و فروش زنان تبدیل کرده است. انواع و اقسام جنگ ها و جنایات و توحش ها برای محافظت از زنان و کالاهای جنسی خود در این نظام به دست مردان انجام می پذیرد. مرد هتروسکژوال قبیله پرست، زنان خود را در خانه زندانی می کند و نسبت به آنان هر نوع توحش را روا می دارد و خود را صاحب آنان می داند و از طرفی هر نوع نگاه بیگانه را تیری از جانب شیطان بر می داند. نظام کثیف پدرشاهی به جوانان خوی سبعبیت و تعصب قبیله ای می آموزاند

همه چیز درباره "همجنس گرایی"

نظر دین در باب همجنس گرایی:

روحانیون دینی همجنس گرایی را یک گناه می دانند؛ طبق این نظریه متعلق به اهل فقه که در اناجیل عهد قدیم و عهد جدید و در قرآن کریم به چشم می خورد. همجنس بازی عملی جنس است که خارج از ازدواج و بر خلاف طبیعت صورت می گیرد ((لازم به ذکر است که امروز بسیاری از محققان به همجنس گرایی در حیوانات به عنوان مثال و توضیحی درباره طبیعی بودن این خصوصیت اشاره می کنند)) طبق عقیده ی مذهب یون این عمل حداقل از سه نظر نوعی معصیت به درگاه خداوند به حساب می آید:

(۱) غیر عادی بودن هدفی که برای عشق ورزیدن انتخاب می شود

(۲) پیوندی نامشروع است و قابیلت تشریع ندارد

(۳) در مورد مرد، با ائتلاف نطفه همراه است . پیامبران یهودی و همچنین پای (در مراسله با قرنطیان) صریحاً هم جنس بازی را محکوم کرده اند

محمد(ص) از زبان لوط خطاب به قومش می گوید ((به درستی که
شما به جای پرداختن به زنان میل شهوت راندن با مردان را دارید))
سوره احزاب آیه ۸۱

در هنگام مناظره آخر بوش و کری ، وقتی سؤالی درباره ازدواج
همجنس بازان مطرح شد ، کری گفت : ماهمه فرزندان خداوند
هستیم،ومی اندیشیم اگر میخواستیم با دختر دیک چنی((معاون
بوش)) که لزبین((همجنس گرای مونث))است در این باب صحبت
کنیم به شما خواهد گفت که همانی هست که بوده اشاره کری به این
نکته بود بسیاری از همجنس گرایان با همین خصلت به دنیا آمده
اند و این خصیصه ذاتی آنها است نه اکتسابی....طبیعی است که
موضوع همجنس گرایی در امریکا که جامعه ای نسبتاً مذهبی دارد
بحث برانگیز باشد

تاریخ همجنسگرایی

در این پست نگاهی کوتاه و شاید ناقص به تاریخ همجنسگرایی می اندازیم:

سابقه همجنس بازی به قدمت جهان است حتا افلاطون هم فصول زیادی از آثارش را به آن اختصاص داده است تاریخ و اساطیر یونان باستان پر از نمونه هایی است که طبق آنها در موارد مختلف ظاهراً وسیله ای برای بالیدن صفات مردانه بوده است مدارکی را که حکایت از پذیرفته بودن همجنسگرایی می کند می توان در بسیاری از تمدن های ((مصری و ژاپونی)) مشاهده کرد. ((نورمن ها)) آن را به جرأت وشجاعت سربازی نسبت می دادند. در قبایل مغرب که مبادرت به استعمار شمال آفریقا کردند و اسپانیا را به تصرف در آوردند هم جنس بازی رواج فراوان داشته است برخی از بزرگان تاریخ مانند میشل فوکو و... تمایلات همجنس گرایانه داشته اند همجنس گرایی در رنسانس هم نقش بزرگی ایفا کرده است: میکل آنژ معروف ترین نمونه ای است که در این باره می توان نام برد....

هدف از ذکر این تاریخچه این بود که "همجنس گرایی" ویا همجنس بازی را پدیده ای نو ظهور ویا عجیب و غریب ندانیم حتا در ادبیات و تاریخ ما نیز اشارات فراوانی به این موضوع وجود دارد

تعریف همجنس گرایی و تفاوت آن با همجنس بازی

در پست های بعدی بلاگ به تاریخ همجنس گرایی، نظر دین و علم و فلسفه در باره این مقوله و همچنین همجنسگرایی در ادبیات به اندازه سواد وبضاعت خود خواهم پرداخت اگر شما درباره همجنسگرایی مطلب یا لینکی دارید بسیار خوشحال می شوم اگر مرا در جریان بگذارید یا حق!!

اصولا تمایلات جنسی در انسانها را میتوان در چهار شاخه کلی دسته بندی کرد. به این دسته بندی Sexual orientation میگویند.

• علاقه مند به جنس مخالف (هترو سکسوال (Heterosexual

• علاقه مند به جنس موافق (همجنسگرا، هموسکسوال

Homosexual)

• علاقه مند به دو جنس موافق و مخالف (بیسکسوال

Bisexual)

• عدم علاقه به برقراری تماس جنسی (اسکسوال Asexual)

اینکه یک شخص چگونه به یکی از این ۴ شاخه اصلی تعلق میگیرد هنوز برای دانشمندان مسئله ای روشن نیست! هرچند که بسیاری از دانشمندان در مورد اینکه این تمایلات در دوران کودکی توسط عکس العمل های بیولوژیکی، روانشناسی و جامعه شناسی شکل میگیرد اتفاق نظر دارند اما تئوریهای مختلفی از منابع مختلفی برای این تمایلات از جمله فاکتورهای ژنتیکی و ترشحات هورمونی و یا تجربیات در دوران کودکی امروزه برای توضیح این مسئله مطرح هستند

لازم به ذکر است که تمام کسانی که با جنس موافق خود تماس جنسی برقرار میکنند جزو این دسته بندیها نیستند، دسته ای از روانپزشی ها و بیماران روحی و روانی هستند که به همجنسگرایی

و ستیز با جنس مخالف تبدیل میشوند، مثلاً در میان زنان افرادی هستند که در سنین کودکی به آنها تجاوز شده است و از جنس مرد متنفر به دلیل اینکه فکر میکنند همه مردان همانطور هستند متنفر هستند. بهتر اینگونه افراد را با واژه "همجنس باز" بشناسیم.

همجنسگرایی اغلب از طرف کسانی که آنرا نمیشناسند و در مورد آن تحقیقی نکرده اند بعنوان یک بیماری و یا یک چیز غیر طبیعی مطرح میشود. این دسته از اشخاص فکر میکنند شخص همجنسگرا نوع زندگی جنسی خود را انتخاب میکند و شخص همجنسگرا یک انسان منحرف از لحاظ جنسی است. در حالی که تحقیقات علمی به شدت با این نوع طرز فکر مخالف هستند، تحقیقات ژنتیکی نشان میدهند که ساختار ژنتیکی همجنسگرایان بطور مشخص و واضحی به همدیگر شبیه است و از لحاظ روانشناختی نیز با هتروسکسوال ها تفاوت اساسی دارند،

بن مایه ها

- دستغیب، سید محمد هاشم، گناهان کبیره، جلد ۱ و ۲، ناشر: انتشارات ناس
- [یادداشت‌های مهرانگیز کار]
- دانشنامه رشد